

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٢١٩٤٢



دانشگاه شهید بهشتی
 دانشکده ادبیات و علوم انسانی
 گروه زبان شناسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان شناسی همگانی

عنوان

بررسی گروه اسمی درگوش لری خرم آبادی

دفتر انتشارات مدرک علمی بزرگ
 شب بیدار

استاد راهنما

دکتر زینب محمد ابراهیمی جهرمی

استاد مشاور

دکتر مهین ناز میردهقان

پژوهشگر

پروین م عبدی

تابستان ۱۳۸۸

۱۳۱۶۴۳

۱۳۸۸ / ۱۲ / ۲
 شماره ۱۹ / ۳۵
 نوروز ۱۳۸۸

تقدیم به مادرم، زلال مهربانی و صفا

و

تقدیم به روان در اوج پدرم

به نامت می کنم آغاز

پرستوها اگر آواز می خوانند

سرود رقص آنان هم تو می باشی

گاه آن فرا رسید که در واپسین ایام تحصیلم از راهنمایی های دلسوزانه و مجدانه سرکار خانم دکتر زینب محمد ابراهیمی که با سعه صدر و امان نظر پیوسته دستگیر پرسش های بی پاسخم بودند، و همچنین از استاد مشاور ارجمندم سرکار خانم دکتر مهین ناز میردهقان سپاسگزاری کنم.

از مدیر محترم گروه، آقای دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور کمال تشکر را دارم. همچنین از خانم دکتر نگار داوری و خانم دکتر آزیتا افراشی که همواره لطف و مودتشان موجبات دلگرمی این حقیر بوده، تشکر فراوان دارم.

و قدردان خانواده عزیزم، مادرم، برادران و خواهر عزیزم هستم که در بسیط زندگانی تکیه گاه ماندگارترین لحظات شادی و غم بوده و هستند، آن مشوقان نستوه حیاتم. از دوستان و همراهان صمیمی ام که همپای راهم بوده اند، بسیار ممنون و سپاسگزارم.

تمام گشت و مزین شد این خجسته مقال

به فضل و منت پروردگار عالمیان

فهرست نشانه های آوایی

مشخصه آوایی	معادل فارسی	نمونه لری	همخوان
دولبی، انسدادی، بی واک	بینی	/pet/	p
دولبی، انسدادی، واک دار	پدر	/bowa/	b
دندانی- لثوی، انسدادی، بی واک	تب	/tow/	t
دندانی- لثوی، انسدادی، واک دار	دو	/dü/	d
نرم کامی، انسدادی، بی واک	پسر	/kor/	k
نرم کامی، انسدادی، واک دار	گاو	/gow/	g
نرم کامی، انسدادی، بی واک	سیاه سرفه	/siqota/	q
نرم کامی، سایشی، واک دار	درب منزل	/derâyel/	ɣ
نرم کامی، سایشی، بی واک	تخم مرغ	/xâ/	x
چاکنایی، انسدادی، بی واک	اشک	/ʔser/	ʔ
چاکنایی، سایشی، واک دار	آمدن	/ʔomafe/	ɦ
چاکنایی، سایشی، بی واک	خاله	/hâla/	h
لثوی، سایشی، بی واک	پاره	/deresa/	s
لثوی، سایشی، واک دار	زرتنگ	/zel/	z
لثوی- کامی، سایشی، بی واک	خشک	/hoʂg/	ʂ
لثوی- کامی، سایشی، واک دار	پژمرده	/ʒalm/	ʒ
لب و دندانی، سایشی، بی واک	زیاد	/fera/	f
لب و دندانی، سایشی، واک دار	بروچرد	/verugerd/	v
کامی- لثوی، انسدادی- سایشی، بی واک	چاقو	/kârču/	č
کامی- لثوی، انسدادی- سایشی، واک دار	تکان	/ʃem/	ʃ
لثوی، لرزشی، واک دار	خیس	/tar/	r
دو لبی، خیشومی، واک دار	دهان	/dam/	m
دندانی- لثوی، خیشومی، واک دار	خوردنی	/hardeni/	n
لثوی- دندانی، کناری، واک دار	تشک	/nâli/	l
کامی، کناری، واک دار	محلّه	/maʎʎa/	ʎ
نیم واکه، سخت کامی، واک دار	یک	/yak/	y
نیم واکه، لبی- کامی، واک دار	خواهر	/xwar/	w
نرم کامی، خیشومی، واک دار	تفنگ	/tefeŋ/	ŋ

مشخصه آوایی	معادل فارسی	نمونه لری	واکه
پیشین، بسته، گسترده، سخت	گوشه	/sik/	i
پیشین، بسته، گرد	دنیا	/dünyâ/	ü
پیشین، نیم بسته، گسترده	مزد	/mez/	e
پیشین، نیم بسته، گرد	کوتاه	/kôʎ/	ö
پیشین، بسته، گسترده، نرم	شوهر	/mıra/	ɪ
میانی، خنثی، مرکزی	من	/mə/	ə
پیشین، باز، گسترده	لاغر	/lar/	a
پسین، بسته، گرد	گریان	/gerivu/	u
پسین، نیم بسته، گرد	خانه	/hona/	o
پسین، باز، گسترده	فقیر	/žâr/	â

معادل فارسی	نمونه لری	آوای مرکب
آب	/ʔâw/	âw
کفش	/kowš/	ow
آخ (صوت)	/ʔay/	ay
می خواهی	/mihây/	ây
آی (خطاب بی ادبانه)	/höy/	öy
نی	/ney/	ey
خوی	/xuy/	uy

نمادها

کشش واکه ای	:
یا	/
واج نگاری	//
سازه نحوی	[]
غیر دستوری	*
اختیاری بودن	()

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی گروه اسمی در گویش لری خرم آبادی، بر مبنای نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی می‌پردازد. نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی دانش زبان را به عنوان مجموعه درهم تنیده‌ای از زیر نظریه‌ها می‌داند که مشتمل بر اصول و پارامترها می‌باشد. برای توصیف وابسته‌های پیشین در این تحقیق از تعدیل‌های صورت گرفته در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی بهره برده و گروه اسمی در بطن گروه حرف تعریف توصیف شده است. گروه اسمی در این گویش می‌تواند تنها از یک اسم تشکیل شود و یا از یک اسم به عنوان هسته و تعدادی وابسته تشکیل شود که در دو طرف هسته قرار گرفته‌اند. وابسته‌هایی را که قبل از اسم قرار می‌گیرند وابسته‌های پیشین و آن‌هایی را که پس از اسم قرار می‌گیرند وابسته‌های پسین می‌نامند. هر اسم در گویش لری خرم آبادی می‌تواند حداکثر سه وابسته پیشین و پنج وابسته پسین داشته باشد که هر کدام جایگاه و رفتار منحصر به فردی دارند. وابسته‌های پیشین اسم بر اساس نزدیکی به هسته عبارتند از: وابسته پیشین-۱، وابسته پیشین-۲ و وابسته پیشین-۳. در جایگاه وابسته پیشین-۱ صفت / اسم، در جایگاه وابسته پیشین-۲ یکی از وابسته‌های عدد و معدود، عدد ترتیبی / صفت ترتیبی، صفت برترین و یا صفت حصر و در جایگاه وابسته پیشین-۳ و به عبارتی دورترین وابسته پیشین نسبت به هسته یکی از وابسته‌های حرف اشاره (مشخص / نامشخص)، حرف تعجب و یا حرف پرسشی قرار می‌گیرد. وابسته‌های پسین اسم در این گویش به ترتیب عبارتند از: وابسته پسین-۱، وابسته پسین-۲، وابسته پسین-۳، وابسته پسین-۴ و وابسته پسین-۵. در نخستین جایگاه پس از اسم، گروه صفتی، در دومین جایگاه پس از اسم، گروه اسمی، در سومین جایگاه پس از اسم وابسته بدل، در چهارمین جایگاه پس از اسم گروه حرف اضافه‌ای و در نهایت در پنجمین جایگاه پس از اسم، بند موصولی قرار می‌گیرد. ترکیب همنشینی وابسته‌های گروه اسمی دارای اهمیت زیادی است و عدم رعایت تقدم و تأخر وابسته‌ها نسبت به یکدیگر و نسبت به هسته منجر به تشکیل زنجیره بدساخت می‌گردد. گروه اسمی یکی از پر کاربردترین مقوله‌های زبانی است و می‌تواند با نقش‌های نحوی متفاوتی در جمله ظاهر شود، به طور مثال می‌تواند با حالت‌های ساختاری فاعلی، مفعولی، متمی و اضافی در جمله ایفای نقش کند و بر این اساس جایگاه‌های متفاوتی را در جمله اشغال کند.

کلید واژه‌ها: گویش لری خرم آبادی، اسم، گروه اسمی، وابسته‌های پیشین، وابسته‌های پسین، حالت نحوی.

عنوان

۱	فصل اول: مقدمه
۲	۱-۱ مقدمه
۳	۲-۱ خاستگاه قوم لر و گویش لری
۹	۳-۱ بیان مسأله
۱۰	۴-۱ سئوالات و فرضیه های تحقیق
۱۱	۵-۱ سابقه و ضرورت انجام تحقیق
۱۲	۶-۱ اهداف تحقیق
۱۴	۷-۱ روش تحقیق
۱۵	۸-۱ نتیجه
۱۶	فصل دوم: پیشینه تحقیق و پیشینه نظری
۱۷	۱-۲ مقدمه
۱۸	۲-۲ مروری بر آثار پیشین
۱۹	۱-۲-۲ تاریخچه مطالعاتی دستورنویسان غیرایرانی
۲۱	۲-۲-۲ تاریخچه مطالعاتی دستور نویسان ایرانی
۲۸	۳-۲ چارچوب نظری
۲۸	۴-۲ پیشینه نظری
۳۲	۱-۴-۲ نظریه حاکمیت و مرجع گزینی
۳۲	۱-۴-۲-۱ زیرمجموعه های متشکل از قواعد
۳۶	۲-۴-۲-۱ زیر مجموعه های متشکل از اصول
۳۷	۱-۴-۲-۱-۲ نظریه تحدید
۳۹	۲-۴-۲-۱-۲ نظریه حاکمیت
۴۲	۳-۴-۲-۱-۲ نظریه حالت
۴۶	۴-۴-۲-۱-۲ نظریه تتا
۵۰	۵-۴-۲-۱-۲ نظریه نظارت
۵۲	۶-۴-۲-۱-۲ نظریه مرجع گزینی
۵۶	۷-۴-۲-۱-۲ اصل مقوله تهی
۵۸	۵-۲ نظریه ایکس تیره
۶۰	۶-۲ نتیجه

۶۱	فصل سوم: بررسی صرفی گروه اسمی
۶۲	۱-۳ مقدمه
۶۳	۲-۳ ساختواژه
۶۳	۱-۲-۳ واژه
۶۶	۲-۲-۳ تکواژ
۶۷	۱-۲-۲-۳ تکواژ آزاد و مقید
۶۹	۲-۲-۲-۳ تکواژ واژگانی و دستوری
۷۰	۳-۲-۲-۳ تکواژ تصریفی و اشتقاقی
۷۱	۳-۳ ساختمان اسم به اعتبار نظام درونی آن
۷۱	۱-۳-۳ نشانه های صرفی اسم
۷۴	۱-۱-۳-۳ نشانه های جنس و نوع
۷۵	۲-۱-۳-۳ نشانه های معرفه و نکره
۷۷	۳-۱-۳-۳ نشانه های شمار(مفرد و جمع)
۷۸	۲-۳-۳ نشانه های اشتقاقی اسم
۷۹	۱-۲-۳-۳ پیشوندهای اشتقاقی اسم ساز
۸۰	۲-۲-۳-۳ پسوندهای اشتقاقی اسم ساز
۸۳	۳-۲-۳-۳ پسوندواره های اسم ساز
۸۴	۳-۳-۳ انواع اسم
۸۴	۱-۳-۳-۳ اسم ساده
۸۴	۲-۳-۳-۳ اسم مرکب
۸۸	۴-۳-۳ ضمیر
۸۹	۴-۳ گروه اسمی
۹۱	۱-۴-۳ وابسته های پیشین اسم
۹۴	۱-۱-۴-۳ وابسته پیشین-۱
۹۵	۲-۱-۴-۳ وابسته پیشین-۲
۱۰۱	۳-۱-۴-۳ وابسته پیشین-۳
۱۰۶	۲-۴-۳ وابسته های پسین اسم
۱۰۹	۱-۲-۴-۳ وابسته پسین-۱
۱۱۰	۲-۲-۴-۳ وابسته پسین-۲
۱۱۲	۳-۲-۴-۳ وابسته پسین-۳
۱۱۳	۴-۲-۴-۳ وابسته پسین-۴

۱۱۴	۵-۲-۴-۳ وابستهٔ پسین-۵
۱۱۶	۶-۲-۴-۳ امکان جابه جایی وابسته های پسین
۱۲۰	۷-۲-۴-۳ ابهام در ساخت گروه اسمی
۱۲۲	۵-۳ نتیجه
۱۲۳	فصل چهارم: بررسی نحوی گروه اسمی
۱۲۴	۱-۴ مقدمه
۱۲۴	۲-۴ نقش وابسته های گروه اسمی در گویش لری خرم آبادی
۱۲۵	۱-۲-۴ مشخص گر
۱۲۶	۲-۲-۴ متمم
۱۲۷	۳-۲-۴ افزوده
۱۲۹	۳-۴ زیرمجموعه های متشکل از اصول نظریهٔ حاکمیت و مرجع گزینی در گویش لری خرم آبادی
۱۲۹	۱-۳-۴ نظریهٔ حاکمیت در گویش لری خرم آبادی
۱۳۱	۲-۳-۴ نظریهٔ حالت در گویش لری خرم آبادی
۱۳۲	۳-۳-۴ نظریهٔ تنا در گویش لری خرم آبادی
۱۳۸	۴-۳-۴ نظریهٔ مرجع گزینی در گویش لری خرم آبادی
۱۴۳	۴-۴ حالت های نحوی گروه اسمی
۱۴۳	۱-۴-۴ گروه اسمی با حالت نحوی فاعلی
۱۴۸	۲-۴-۴ گروه اسمی با حالت نحوی مفعولی
۱۵۲	۳-۴-۴ گروه اسمی با حالت نحوی مفعول متممی
۱۵۴	۴-۴-۴ گروه اسمی با حالت نحوی اضافی
۱۵۶	۵-۴-۴ حالت ذاتی
۱۶۱	۵-۴ نتیجه
۱۶۲	فصل پنجم: نتیجه گیری
۱۶۳	۱-۵ مقدمه
۱۶۴	۲-۵ یافته های تحقیق
۱۷۵	۳-۵ پیشنهادات و پیش فرضیه ها
۱۷۶	کتابنامهٔ فارسی
۱۸۰	کتابنامهٔ انگلیسی
۱۸۲	واژه نامهٔ فارسی
۱۸۷	واژه نامهٔ انگلیسی

فهرست نمودارها، نقشه ها و جدول ها

۷	نمودار(۱) زبان های ایرانی
۸	نقشه (۱-۱) موقعیت جغرافیایی استان لرستان در ایران
۸	نقشه (۲-۱) موقعیت جغرافیایی خرم آباد در استان لرستان
۷۶	جدول (۲۸-۳) انواع اسم های معرفه
۸۱	جدول (۳۸-۳) پسوند های اشتقاقی اسم ساز در گویش لری خرم آبادی
۸۳	جدول (۳۹-۳) پسوندواره های اسم ساز در گویش لری خرم آبادی
۱۷۱	جدول (۲۲-۵) ساخت گروه اسمی با وابسته های پیشین و پسین

فصل اوّل

فصل اول: مقدمه

۱-۱ مقدمه

می توان گفت زبان پدیده بسیار پیچیده ای است که دارای طبیعتی فردی - اجتماعی است، زیرا هم وسیله بیان افکار و احساسات فرد است و هم وسیله ارتباط میان افراد جامعه است. به این ترتیب بررسی زبان به عنوان موضوع مهمی همواره در طول تاریخ زندگی بشری مورد توجه بوده است و در طول دوران های پیاپی از نظر ساختی و معنایی مورد مطالعه قرار گرفته است. در عصر حاضر نیز با توجه به پیشرفت علم زبان شناسی، بررسی زبان از دیدگاه های نظری و کاربردی بیش از پیش گسترش یافته است و در این میان بررسی گویش ها نیز از جمله مواردی است که مورد توجه واقع شده است.

درباره ماهیت زبان، اسمیت (۱۳۶۷:۴۰۲) به نقل از چامسکی بیان می کند:

« زبان انعکاسی است از ذهن انسان، نه فقط به آن معنا که انسان ها آن را تولید کرده اند، می توانند آن را بیاموزند و به آن صحبت کنند، بلکه به این معنای بسیار مشخص تر که زبان این است که هست، زیرا ذهن

انسان این است که هست. این گونه نیز نیست که انسان ها به خاطر هوش خود می توانند زبان ها را بسازند و بیاموزند، بلکه مخصوصاً به این خاطر است که آن ها از عهده ساختن و آموختن نوع زبان هایی که می آموزند و می سازند برآیند و این توانایی به هیچ وجه انعکاسی از هوش عمومی نیست بلکه قوه نطق بشر فطری و منحصر به فرد است».

یونانیان باستان از جمله نخستین کسانی بودند که به تنوعات گویشی توجه نمودند و از تمایزات میان گونه های گفتاری و نوشتاری یونانی باستان سخن می گفتند. در اروپای قرون وسطی نیز نویسندگانی چون دانته^۱ به مطالعات گویشی توجه داشتند. این گونه مطالعات که بیشتر در مورد گویش های جغرافیایی بود همچنان ادامه یافت و در چند دهه پایانی قرن نوزدهم و دهه های آخری قرن بیستم گسترش یافت.

تحولات سریع و شگرف زبان شناسی در نیمه دوم قرن بیستم از یک طرف ادعاهای جدیدی را مطرح کرده که نیاز به مطابقت با داده های زبان های مختلف را دارد، از طرف دیگر ابزارهای علمی و نظری را در جهت مطالعه زبان در اختیار دانش پژوهان قرار داده است. بنابراین مطالعه دقیق و زبان شناختی گویش های کشورمان امری ضروری به نظر می رسد. از این رو مطالعه حاضر به بررسی گروه اسمی گویش لری خرم آبادی در پرتو اصول و نظریه حاکمیت و مرجع گزینی می پردازد.

۱-۲ خاستگاه قوم لر و گویش لری

بنابر شواهد باستان شناسی، لرستان از چهل هزار سال پیش مسکون بوده است. آثار بدست آمده از این منطقه مربوط به دوران های پارینه سنگی، میان سنگی و نوسنگی است که بازمانده های فرهنگ پیش از تاریخ انسانیت. اولین قومی که بر این پهنه حکومت کرده است "عیلامی" ها بوده اند که تاریخ آن به اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد بازمی گردد. عیلامی ها از اقوام بومی ایران، آسیانیک ها، بوده اند و حوزه تمدنشان استان های لرستان، پشتکوه (ایلام)، خوزستان، بختیاری، کهگیلویه و

^۱. Dante

بویراحمد و قسمت‌هایی از فارس را شامل می‌شده است. در همین دوره و همزمان با عیلامی‌ها قوم دیگری به نام "کاسی‌ها" در این منطقه سکونت داشته‌اند که درباره نژادشان اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای آنان را بومیان اولیه لرستان می‌دانند و دیگران آنان را از اقوام آریایی که پیش از مادها و پارس‌ها به این منطقه مهاجرت کرده‌اند می‌شمارند. کاسی‌ها در صنعت ساخت مصنوعات مفرغی بسیار چیره دست بوده‌اند و حدود ۶۰۰ سال بر بابلی‌ها حکومت می‌کنند. گرچه در نهایت از عیلامی‌ها شکست می‌خورند اما تا زمان هخامنشیان همچنان استقلال خود را حفظ کرده و از هخامنشیان هنگام عبور از سرزمین هایشان باج می‌گرفته‌اند. تا اواخر دوره هخامنشیان به سرزمین لرستان کنونی «کاشن» می‌گفتند که مأخوذ از واژه کاسی است و واژه لرستان نامی است که در دوره اسلامی به این ناحیه اطلاق شده است. مرکز استان لرستان شهرستان خرم‌آباد می‌باشد که در دره ای میان دو کوه «مدبه» و «سفیدکوه» واقع شده است. حکومت های عیلامی و کاسی ساکن لرستان در اثر جنگ‌های طولانی با خود و دیگر اقوام ضعیف شدند و در نهایت با هجوم ایرانی‌ها از بین رفتند. بنابراین متخصصانی مانند یونگ و گیرشمن، ایرانیان حدود سال‌های ۷۰۰ یا ۸۰۰ پیش از میلاد وارد لرستان می‌شوند و هخامنش در ۵۵۰ پیش از میلاد در پارسواش (پارسوا) که در سرزمین‌های لرنشین قرار داشته حکومت خود را تشکیل داده است. تأسیس و گسترش امپراطوری هخامنشی باعث گسترش زبان پارسی در این منطقه می‌شود. در دوران حکومت خشایارشا و به فرمان او گروهی از یونانیان به این سرزمین کوچانیده می‌شوند. از دیگر اقوامی که به این سرزمین می‌آیند گروهی از یونانیان هستند که در دوران سلوکی در نهاوند ساکن می‌شوند. این منطقه در دوران ساسانی از لحاظ تقسیمات سیاسی جزو "پهله" محسوب می‌شده که بعدها اعراب آن را "جبال" خواندند. از شهرهای معروف آن دوره شاپورخواست، خرم‌آباد امروزی است (ساک، امان الهی بهاروند، تکستون، راویلنسون، ایزدپناه^۱).

۱. مطالب فوق برگرفته از سایت اینترنتی wikipedia.com و lorestan.com می‌باشد.

بررسی های زبان شناسی و فرهنگی نشان دهنده پیوستگی قومی لرها با دیگر اقوام ایرانی، به ویژه شعبه پارسی است. لرها در گستره ای به وسعت ۴۰٪ از خاک کشور ایران پراکنده اند، چه آن ها که در هسته اصلی این قوم ساکنند (مانند استان های لرستان، کهگیلویه و بویر احمد، چهار محال بختیاری، ایلام، همدان، کرمانشاه، اصفهان، مرکزی، فارس و هرمزگان) و چه آن ها که از پایگاه اولیه لرها به دورند (مانند لرهای ساکن استان کرمان که در دوره افشاریه و زندیه به آنجا کوچ کردند و یا لرهای ساکن استان های قزوین، گیلان، مازندران، قم و خراسان).

هر چند آمار خیلی دقیقی از لرها در دسترس نیست ولی تعداد آن ها به طور تقریبی سه میلیون نفر تخمین زده شده است (امان اللهی بهاروند ۱۳۷۰: ۲). راویلنسون (۱۳۶۲) زبان لری را مشتق از زبان فارسی باستان دانسته است و ^{بمقتضای} مکینان^۱ (۱۹۷۷) گویش لری را می توان به دو شعبه باختری و خاوری تقسیم نمود که مرز جغرافیایی بین این دو، رودخانه ای است که لرستان و بختیاری را از هم جدا می کند و گویش لری شهر خرم آباد و اطراف آن در محدوده باختری قرار دارند (رادمنش ۱۳۸۰: ۲۵). حوزه گسترش گویش لری خرم آبادی شامل مناطق جنوب و جنوب غربی لرستان است. همچنین مناطق تابعه شهرستان خرم آباد، به ویژه در نواحی جنوب و جنوب غربی، شهرستان پلدختر یا میانکوه و بخش های جنوبی شهرستان کوهدشت به این گویش تکلم می کنند. مینورسکی^۲ زبان لری را دارای دو گویش می داند. گویش لر بزرگ، شامل لرهای ممسنی، کهگیلویه ای و بختیاری و گویش لر کوچک مانند لرهای خرم آبادی، لرستانی و الیگودرزی. اما امان اللهی تقسیم بندی دیگری از زبان لری ارائه می دهد. او لری را به دو شاخه "باختری" و "خاوری" تقسیم می کند. گویش لری باختری شامل لر نشینان نهاوند، بروجرد، ملایر، تویسرکان و لرستان و برخی از نواحی استان های ایلام، خوزستان، قزوین و تهران است و لری خاوری، گویش

^۱. Mackinnon

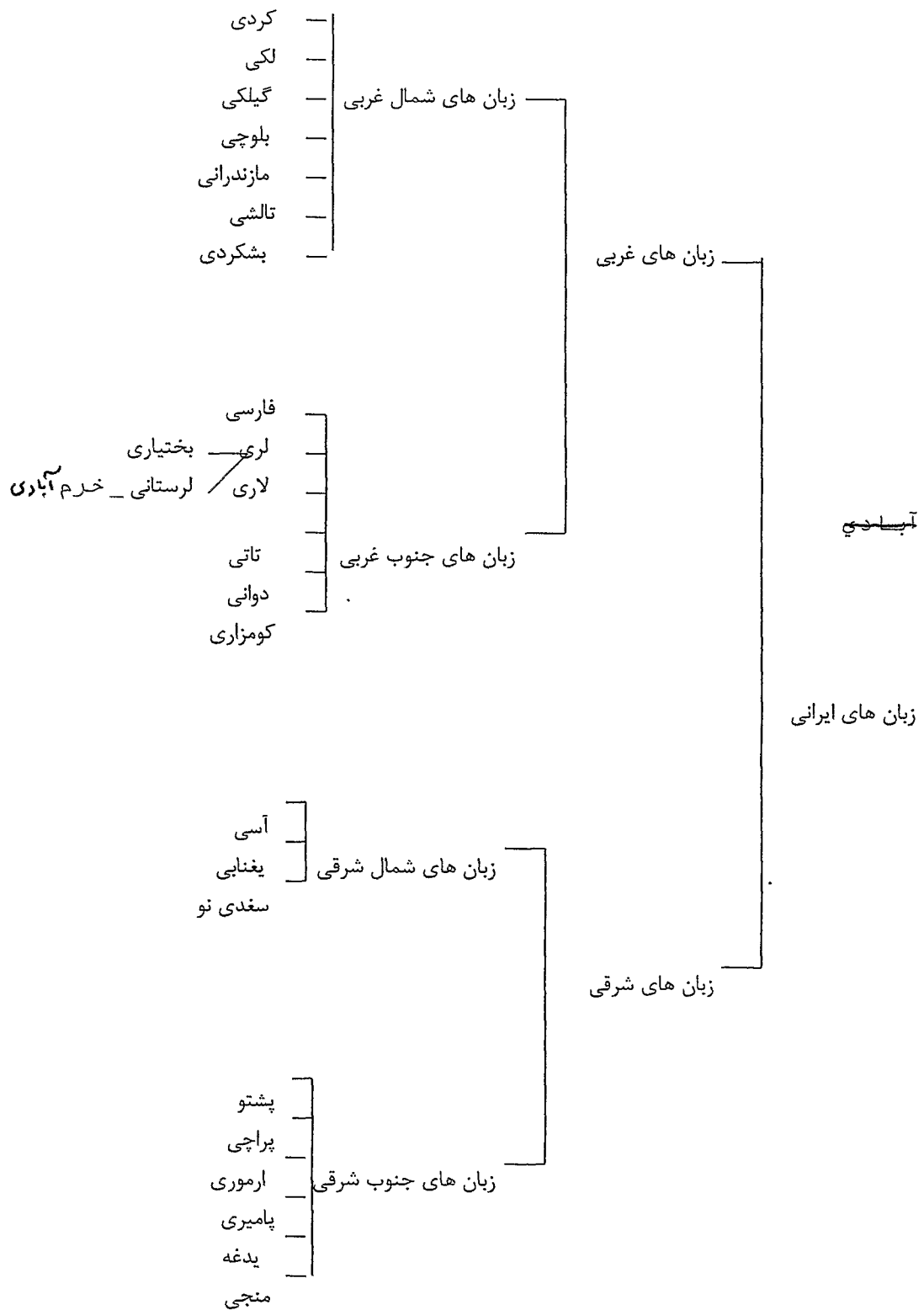
^۲. Minoreski

مردمان ساکن استان‌های چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، فارس، بوشهر است. این گویش از جمله زبان‌های ایرانی جنوب غربی محسوب می‌شود که نزدیک‌ترین رابطه را با زبان فارسی دارد و هر دوی آن‌ها (گویش لری و زبان فارسی) دنباله زبان فارسی میانه اند (امان‌اللهی بهاروند ۱۳۷۰: ۵۳). تکستون^۱ معتقد است که گویش لری نزدیک به تقریباً هزار سال پیش از زبان فارسی جدا شده است (امان‌اللهی بهاروند ۱۳۷۰: ۵۴). در این باره می‌توان اذعان نمود که گویش متداول اقوام باستانی ساکن در کوه‌های زاگرس که شامل لرها می‌شود، زبان عیلامی - کاسپی بوده است که بعداً پارس‌ها و مادها جای آن را گرفتند و زبان آن‌ها به پارسی تبدیل گشته است. بنابراین گویش لری و پارسی هر دو ریشه در زبان‌های کهن عیلامی - کاسپی یا باستانی دارند (رادمنش ۱۳۸۰: ۲۸).

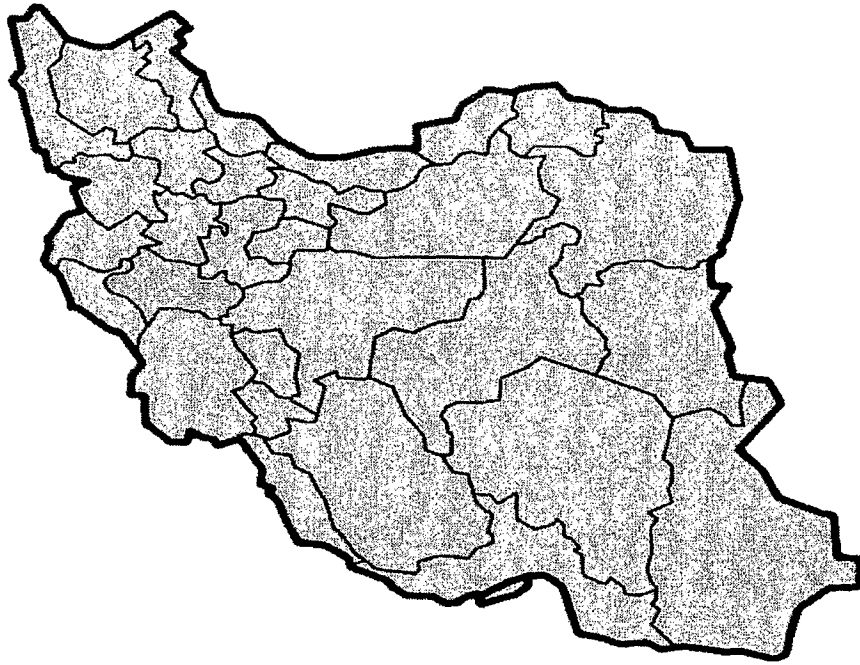
به دلیل شکل و وضعیت زندگی قوم لر که بیشتر ایل نشینی و صحرا نشینی بوده است، گویش لری بیشتر زبان محاوره‌ای بوده و کمتر آثار مکتوبی از آن بر جای مانده است و همان‌طور که اشاره شد به دلیل آمیختگی این گویش و زبان فارسی، لرزبانان بیشتر از خط و زبان فارسی برای تدوین ادبیات خویش استفاده نموده‌اند، به همین علت پژوهش حاضر نیز جهت تجزیه و تحلیل قرار دادن گروه اسمی این گویش سعی نموده از داده‌های گفتاری و محاوره‌ای کمک بگیرد و تنها شمار معدودی از مثال‌ها برگرفته از منابع مکتوب می‌باشد. زبان لری، زبان صحبت شده در جنوب زاگرس می‌باشد و یکی از زبان‌های هندواروپایی، هندوایرانی، ایرانی، غربی، ایرانی جنوب غربی می‌باشد (مکینان: همان). در نمودار (۱) زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (به اقتباس از سایت www.wikipedia.com) جهت آشنایی بیشتر خواننده با زبان‌های ایرانی ارائه شده است. همچنین موقعیت جغرافیایی استان لرستان و خرم‌آباد به ترتیب در نقشه‌های ۱ و ۲ (به اقتباس از سایت اینترنتی www.google.com) ارائه شده است.

^۱ . Thackston

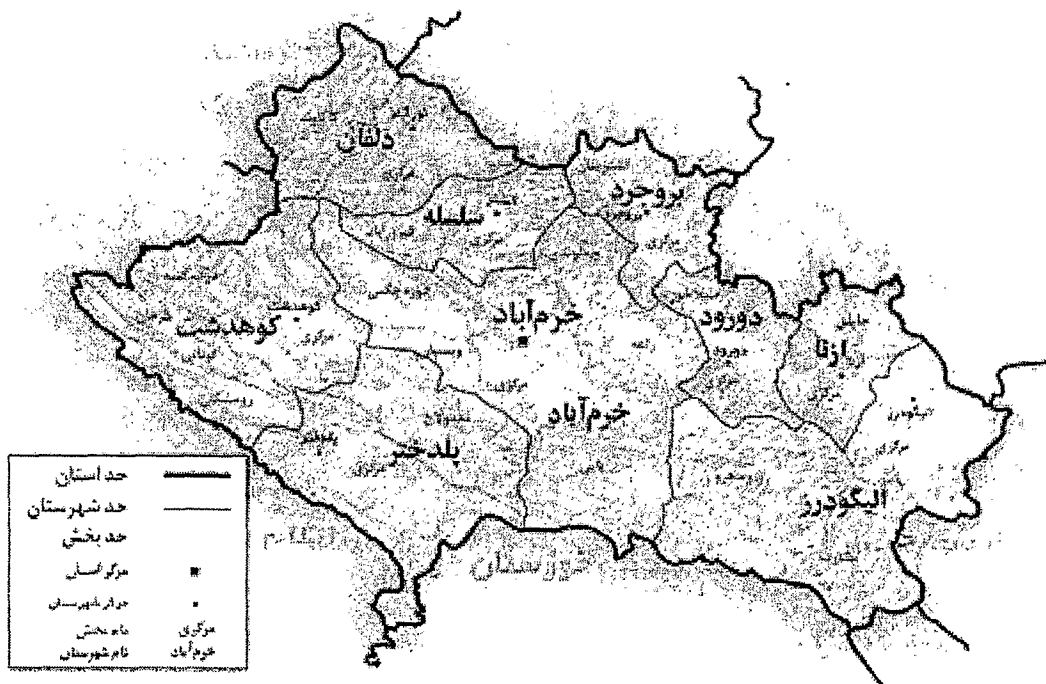
(۱) نمودار زبان های ایرانی نو



نقشه (۱-۱) موقعیت جغرافیایی استان لرستان در ایران



نقشه (۲-۱) موقعیت جغرافیایی خرم آباد در استان لرستان



۱-۳ بیان مسأله

بین هزاره سوم و اول قبل از میلاد، به هنگام مهاجرت اقوام آریایی شعبه ای از این اقوام موسوم به کاسی ها به لرستان آمدند و با بومیان منطقه در آمیختند و به این ترتیب نژاد تازه ای را پدید آوردند که بعدها به لر شهرت یافتند. زبان آن ها (لری) بازمانده زبان های اوستایی و پهلوی است و همان طور که پیش تر نیز اشاره شد از جمله زبان های ایرانی جنوب غربی محسوب می گردد. گویش لری خرم آبادی نیز که از اصیل ترین گونه های گویش لری می باشد هر چند امروزه تغییرات فراوانی نسبت به گذشته داشته است، اما هنوز هم می توان اصالت واژه های از دست رفته گذشته را در آن دوباره زنده کرد.

نفوذ و تأثیر زبان فارسی بر گویش لری شهرستان خرم آباد، گویش این منطقه را آسیب پذیر کرده و کاربرد آن را خصوصاً در اجتماع کاسته است. از این رو نگارنده سعی نموده گروه اسمی این گویش را توصیف نموده و از این راه، گامی هر چند کوچک در جهت حفظ این گویش بردارد.

تقسیم جمله به اجزای سازنده آن به زمان افلاطون بر می گردد که وی هر جمله را به دو بخش اسمی (اونوما^۱) و بخش فعلی (ریمای^۲) تقسیم نمود (روبینز:۱۳۸۴:۶۴). بر اساس این واقعیت، واژه ها همیشه سازه های بلافصل جمله محسوب نمی شوند بلکه اغلب به صورت گروهی در ارتباط با جمله قرار می گیرند و در ساخت آن نقش نحوی ایفا می کنند، پس سازه های بلافصل جمله، گروه ها می باشند (غلامعلی زاده ۱۳۷۴:۱۲). کریستال^۳ (۱۹۹۲:۲۹۲) گروه را اصطلاحی می داند که در تحلیل دستوری برای اشاره به عنصر واحد ساختاری به کار می رود که معمولاً بیش از یک واژه را شامل می شود و ساختار نهاد و گزاره ای بند را ندارد.

لفظ گروه اسمی^۴ اولین بار توسط هریس^۵ در سال ۱۹۵۱ صریحاً به کار برده شد و آن را تکرار پذیرترین گروه در جمله محسوب می کند که می تواند نقش های زیادی را ایفا کند (تراسک^۱

۱. onuma

۲. rhema

۳. David Crystal

۴. Noun Phrase=NP=N"

۵. Zellig Harris